



حملات تروریستے بروکسل:

پیامدها و وظایف جنبش کارگری

گردآوری و ترجمہ: آرام نوبخت

گزارشی
بلشویک
لنینیست‌های ایران
Leninist.org



از سری جزوات بلشویک-لنینیست‌ها

بمب‌گذاری بلژیک: چرا سرنخ‌ها به هم وصل نمی‌شوند؟

الکس لانتیه و اندره دیمن

حملات تروریستی این هفته در بلژیک که ۳۱ کشته و ۳۰۰ زخمی برجای گذاشت، آخرین مورد از سلسله حملات چشم‌گیری بوده است در طول ۱۵ سال گذشته از زمان آغاز «جنگ علیه تروریسم» رخ داده‌اند.

در هر یک از این رویدادها، ماجرا از خطوط مشابهی پیروی می‌کند: اول این که حمله‌کنندگان برای سرویس‌های اطلاعاتی شناخته شده بودند؛ و دوم این که افراد مذکور ستیزه‌جویان نقداً فعال یا ستیزه‌جویان آتی در عملیات تغییر رژیم و بی‌ثبات‌سازی مورد حمایت غرب در خاورمیانه و سراسر اوراسیا هستند. بعد از هر حمله، ناتوانی از عملکرد به موقع بر مبنای اطلاعاتی که از قبل در اختیار سرویس‌های اطلاعاتی بوده است، همیشه با ادعای «ناتوانی از وصل کردن سرنخ‌ها به هم» توجیه می‌شود. نهایتاً با وجود از کارافتادگی پروتکل‌های امنیتی ابتدایی، هیچ‌کدام از یک مقامات اخراج یا مجازات نمی‌شوند.

در حوادث پیشین مانند هواپیماربایی ۱۱ سپتامبر، بمب‌گذاری‌های ماراتن بوستون، تیراندازی‌های شارلی ابدو و حملات تروریستی نوامبر ۲۰۱۵ در پاریس، تنها طی ماه‌ها و سال‌های بعدی بود که مسأله اطلاع قبلی نهادهای امنیتی دولتی روشن شد؛ در این فاصله این واقعیات به دقت از چشم رسانه‌ها پنهان و به حوزة «تئوری‌های توطئه» واگذار شدند.

اما موضوع بی‌سابقه درباره‌ی رویدادهای روز سه‌شنبه در بروکسل، سرعت افشای ابعاد اطلاع قبلی دولت از حملات بوده است.

روز چهارشنبه روزنامه‌ی اسرائیلی «هاآرتص» افشا کرد که سرویس اطلاعاتی بلژیک اطلاعات دقیقی درباره‌ی زمان وقوع حملات و اهداف آن در اختیار داشت.

روز بعد رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، اعلام کرد که یکی از حمله‌کنندگان درگیر در بمب‌گذاری فرودگاه، یعنی «ابراهیم البکراوی»، پس از تلاش برای ورود به سوریه دو بار از ترکیه به هلند دیپورت شده بود و این که به مقامات بلژیک درباره‌ی وابستگی این فرد به ستیزه‌جویان اسلام‌گرا اطلاع داده شده بود. برادر

ابراهیم، «خالد»، که در حمله ایستگاه متروی مالبریک شرکت داشت، در حملات نوامبر پاریس دخالت داشت و حتی حکم توقیف بین المللی علیه او نیز صادر شده بود.

این افشاگری ها جرقه های بحران را در حکومت بلژیک روشن کرده است. به طوری که «ژان ژامبون»، وزیر داخله، و «کوئین خینس»، وزیر دادگستری، تقاضای استعفا کردند که البته از سوی نخست وزیر کشور، «شارل میشل»، رد شد.

چگونه می توان چرایی عدم جلوگیری از وقوع این حملات را توضیح داد؟

واقعیت اساسی این است که همه این حمله کنندگان، از مخزن وسیع تر ستیزه جویان فعال در جنگ های عراق، سوریه و سایر کشورها سرچشمه می گیرند. یعنی همان کسانی که با حمایت ناتو و سرویس های اطلاعاتی اروپا و امریکا تأمین مالی شده اند.

نیویورک تامیز دیروز در مقاله ای تصدیق کرد که «شبکه فرانسوی-بلژیکی، بخشی از شبکه وسیع تر ستیزه جویان اروپایی در سوریه و عراق است که دستگاه های اطلاعاتی شمار آن را ۴ تا ۶ هزار نفر برآورد می کنند». این روزنامه افزود که «روشن نیست چه تعدادی به اروپا بازگشته اند؛ در حالی که برخی مقامات این تعداد را ۱۰ درصد می دانند، دیگران این رقم را مبالغه آمیز ارزیابی می کنند».

رقم دقیق هر چه باشد، روشن است افرادی که بمب گذاری های ۲۲ مارس و ۱۳ نوامبر و حملات شارلی ابدو در پاریس را انجام دادند، بخشی از یک گروه بزرگ تر از افرادی هستند که اجازه داشته اند آزادانه به خاورمیانه رفت و آمد کنند. تنها نتیجه ای که می توان از این سهولت آمد و شد این نیروها در مرزهای ملی و انجام عملیات گرفت، این است که پروتکل هایی برای سهولت عبور و مرور و پنهان کردن علائم خطر از طرف آن ها وجود دارند. به بیان دیگر این افراد تحت پوشش حمایت رسمی عمل می کنند.

حملاتی نظیر حملات بروکسل نه ناشی از «خطای سهوی» دستگاه اطلاعاتی، بلکه در عوض محصول اجتناب ناپذیر ادغام عمیق و پیوندهای نهادینه میان شبکه های تروستی و سرویس های اطلاعاتی اروپا و امریکا هستند.

بنابراین جلوگیری از عبور و مرور آن‌ها در مرزها یا اعمال پروتکل‌های امنیتی استاندارد، پیامدهایی منفی برای جنگ‌هایی می‌داشت که این نیروها در سراسر خاورمیانه درگیرش هستند. در این صورت کلّ استراتژی حکومت اوباما و متحدین اروپایی‌اش - یعنی استفاده از نیروهای نیابتی اسلام‌گرا و اغلب مرتبط با القاعده یا شاخه آن داعش، به جای «حضور نیروی زمینی» - به خطر می‌افتاد.

حملاتی نظیر بروکسل یا به عنوان عملیات «تلافی جویانه» نیروهای القاعده یا داعش به دلیل ناتوانی حکومت‌های آمریکا و اروپا از تحقق وعده سرنگونی رژیم اسد رخ می‌دهند، یا از سوی بخش‌هایی از دولت تسهیل می‌شوند که برایشان این قبیل اقدامات تروریستی در کشورهای غربی به هدف چرخش سیاست خارجی و داخلی یاری می‌رساند - و یا ترکیبی از این دو.

قابل توجه است که حملات بروکسل کم‌تر از یک هفته بعد از مصاحبه مبسوط «آتلانتیک» با اوباما رخ داد. اوباما در این مصاحبه از تصمیم خود مبنی بر عدم اختصاص منابع درخواستی برای سرنگونی اسد دفاع کرد. چهره‌های برجسته رسانه‌های آمریکا، از جمله «توماس فریدمن» و «راجر کوهن» - ستون نویس‌های نیویورک تایمز - از رویدادهای بروکسل برای مطرح کردن خواست مداخله تهاجمی تر آمریکا در سوریه بهره برداری کرده‌اند.

پیامدها و انگیزه‌های خاص هر چه باشند، حملات بروکسل - مانند حملات سال گذشته در پاریس و موارد پیش از آن - از عملیات نظامی قدرت‌های امپریالیستی در لیبی و سوریه و تلاش آن‌ها برای بی‌ثبات‌سازی و سلطه بر خاورمیانه سرچشمه می‌گیرد.

این جنگ‌های مملو از جنایتکاری و بی‌رحمی که به مرگ هزاران هزار و آوارگی میلیون‌ها تن انجامیده‌اند، اکنون پیامدهای مرگباری برای مردم اروپا دارند. حوادث وحشتناکی نظیر آن چه که در بلژیک رخ داده است، تنها زمانی متوقف می‌شوند که جنگ‌ها متوقف شوند.

۲۵ مارس ۲۰۱۶

بمب‌گذاری تروریستی در بروکسل

الکس لانتیه

ما بمب‌گذاری سه شنبه صبح در فرودگاه «زواتم» و ایستگاه متروی «مالبریک» بروکسل را که ۳۰ کشته و ۲۳۰ زخمی برجای گذاشت محکوم می‌کنیم. در همان حال که مقامات بلژیک حکم ممنوعیت انتشار اخبار تحقیقات خود دربارهٔ حملات را صادر کردند، داعش طی بیانیه‌ای مندرج در سایت خبرگزاری «آمق» مسئولیت حمله را به عهده گرفت.

این حملهٔ هولناک مردمی را هدف قرار داد که به هیچ وجه مسئول جنگ‌های امپریالیستی در خاورمیانه نیستند. پانزده سال جنگ، حملات تروریستی و تشدید تمهیدات دولت پلیسی از زمان حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحدهٔ آمریکا، به طور قطع نشان داده است که چنین خونریزی‌هایی همیشه آب به آسیاب ارتجاعی‌ترین نیروها می‌ریزد.

همان‌طور که وب‌سایت ما یک روز پس از حملات ۱۱ سپتامبر نوشت: «روش تروریستی، هرچند که در جستجوی توجیه خود است، اساساً ارتجاعی است. تروریسم نه فقط ضربهٔ نیرومندی به نظامی‌گری امپریالیستی نیست، بلکه آب به آسیاب عناصری در درون دستگاه حاکم آمریکا می‌ریزد که از چنین رویدادهایی برای توجیه و مشروعیت بخشیدن به توسل به جنگ برای پیگیری منافع اقتصادی و ژئوپلتیک نخبگان حاکم بهره‌برداری می‌کنند. قتل شهروندان بی‌گناه، عموم مردم را خشمگین، سردرگم و گیج می‌کند. مبارزه برای اتحاد بین‌المللی طبقهٔ کارگر را تضعیف و تمام تلاش‌ها را برای آشنا کردن مردم آمریکا با تاریخ و سیاستی که پیشینهٔ رویدادهای معاصر خاورمیانه را شکل می‌دهند، بی‌اثر می‌کند».

در شرایطی که حکومت‌های سرتاسر قارهٔ اروپا نیروهای امنیتی خود را به حالت آماده‌باش درآورده‌اند، صحت این بیانیه مجدداً و این بار در اروپا تأیید می‌شود. شب گذشته با بسته شدن مرزهای بلژیک و محاصرهٔ بروکسل از سوی نیروهای ارتش و پلیس، نخست‌وزیر بلژیک، «شارل میشل» اعلام کرد: «برای ما وضعیت به "قبل و بعد" تقسیم خواهد شد». او گفت که شورای وزیران امروز صبح برای «سامان دادن به دورهٔ بعد از بمب-گذاری» نشستنی ترتیب خواهد داد.

در فرانسه که حزب سوسیالیست به دنبال حوادث ۱۳ نوامبر در پاریس یک «وضعیت فوق العاده» بدنام و ضد دموکراتیک را اعمال کرده است، مقامات حزب سوسیالیست از حوادث بروکسل برای فشار به سنا جهت تصویب اصلاحیه ای استفاده کردند که وضعیت فوق العاده را در قانون اساسی فرانسه حفظ می کند.

کاندیداهای ریاست جمهوری امریکا نیز هم‌چون همتایانشان در آن سوی اقیانوس اطلس، به جستجوی دامن زدن به جو ضد مسلمانان و جنگ افروزی برآمدند. دونالد ترامپ که مشوق ممنوعیت ورود مسلمانان به امریکا بوده است گفت که بروکسل «یک فاجعه کامل» است. او اضافه کرد: «باید در امریکا خیلی مراقب باشیم، باید هوشیار باشیم که به چه کسی اجازه می دهیم وارد این کشور شود».

ترامپ خواهان شکنجه «صلاح عبدالسلام» شد، یکی از مظنونینی که روز جمعه پس از چهار ماه فرار در بروکسل دستگیر و به مشارکت در حملات ۱۳ نوامبر در پاریس متهم شد. این پیشتاز رقابت های جمهوری خواهان گفت: «روش غرق مصنوعی خوب هست، و اگر می توانستند قوانین را گسترش بدهند، شخصاً از روش غرق مصنوعی خیلی فراتر می رفتیم».

«هیلاری کلینتون»، رقیب اصلی نامزدی انتخابات ریاست جمهوری از حزب دمکرات، اعلام کرد: «حملات امروز تنها عزم ما را برای اتحاد در برابر تروریسم و جهادیسیم افراطی در سرتاسر دنیا تقویت خواهد کرد». او خواهان جاسوسی فراگیرتر سرویس های اطلاعاتی امریکا و جهان از مردم شد و گفت: «ما باید تجسس و شنود مکالمات را سفت و سخت تر کنیم».

با وجود ماهیت هولناک حملات بروکسل، فوق العاده مهم است که مردم اجازه ندهند تبلیغات رسانه ها و دستگاه سیاسی تماماً از هم پاشیده حاکم، آن ها را به سوی جنگ های جدید و دولت پلیسی سوق دهد.

تمام بیانیه های سیاستمداران بورژوا در محکومیت خشونت تروریستی، همان قدر ریاکارانه هستند که فریبکارانه. موج حملات داعش در اروپا، از «شارلی ابدو» و بمب گذاری های ۱۳ نوامبر سال پیش در پاریس تا بمب گذاری های دیروز بروکسل، به طور تنگاتنگی با جنگ ها و مداخلات نظامی که بخش های وسیعی از خاورمیانه را نابود و مابقی را بی ثبات کرده، گرده خورده اند.

داعش خود محصول سه جنگ امپریالیستی است: اول، اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به دست امریکا و به کمک کشورهای اروپایی مانند بریتانیا، اسپانیا و ایتالیا، بر مبنای ادعای کذب فروش سلاح های کشتار جمعی حکومت

عراق به القاعده؛ دوم، جنگ برای تغییر رژیم در لیبی از سوی امریکا و ناتو و با بکارگیری شبه نظامیان وابسته به القاعده به عنوان نیروی زمینی نیابتی خود؛ و سوم، جنگ نیابتی امریکا و قدرت های اروپایی در سوریه و حمایت از شبه نظامیان اسلام‌گرای متعدد، از جمله داعش، در تلاش برای واژگونی رژیم اسد.

به ویژه در مراحل اولیه جنگ سوریه، شبه نظامیان اسلام‌گرا برای ایجاد رعب و وحشت و بی ثباتی حکومت به بمب‌گذاری های تروریستی مکرر متوسل شدند. تنها در دمشق ۴۴ کشته و ۱۶۶ مجروح به دنبال حمله دسامبر ۲۰۱۱، ۵۵ کشته و ۴۰۰ زخمی در حمله مه ۲۰۱۲، و ۸۰ کشته و ۲۵۰ مجروح در حمله فوریه ۲۰۱۳ برجای ماندند.

واشنگتن و متحدین اروپایی اش در طول تمام این قیل و قال خونین از اپوزیسیون اسلام‌گرا حمایت کرده اند و تنها پس از حمله داعش به رژیم دست نشانده امریکا در بغداد (تابستان ۲۰۱۴) بود که به تدریج به آن پشت کردند. حتی در آن زمان هم که حکومت حزب سوسیالیست فرانسه به اهداف داعش در عراق حمله کرد، اعلام کرد که اهداف داعش در سوریه را بمباران نخواهد کرد. حکومت فرانسه انکار نکرد که برای جلوگیری از تضعیف نیروهای ضد اسد، از حمله به داعش در سوریه خودداری کرده است. فرانسه تنها پس از حملات ژانویه ۲۰۱۵ به دفتر روزنامه «شارلی ابدو» بمباران داعش را آغاز کرد.

این جنگ ها یک هیولای فرانکشتاین را در اروپا خلق کرده اند، شبکه ای از ستیزه جویان اسلام‌گرایی که پیوند نزدیکی با سیاست خارجی اروپا و محافل پلیسی دارند. کسانی که حملات داعش در اروپا را سازماندهی می کنند- نظیر برادران «کواشی» در حمله به «شارلی ابدو» و «عبدالحمید اباعود» در تیراندازی های ۱۳ نوامبر پاریس- به عملیات جذب نیروی های اسلام‌گرا از اروپا برای جنگ در سوریه ارتباط داشتند.

یک فاکتور مهم در شتاب گرفتن آهنگ حملات در اروپا، این است که بخش های وسیعی از طبقه حاکم اروپا از بهانه ای که این گونه جنایات برای گسترش نفرت بر ضد مسلمانان و ایجاد تفرقه در طبقه کارگر و متعاقباً گسترش ابزارهای دولت پلیسی خود به دست می دهند، استقبال می کنند. نخبگان حاکم برای توجیه سیاست بی رحمانه و غیرقانونی انکار حق پناهجویی برای میلیون ها نفری که از جنگ های خاورمیانه می گریزند و برای اعمال سیاست های ریاضتی به مراتب بی رحمانه تر به طبقه کارگر، این حملات تروریستی را یک نعمت سیاسی خدادادی می بینند.

با رسیدن خونریزی های جنگ های امپریالیستی در خاورمیانه به خاک اروپا، باید بلافاصله درس های سیاسی را کسب کرد. افزایش قدرت دولت پلیسی و نیروهای مسلح به دنبال هر حمله تروریستی، تنها زمینه را برای حملات وحشتناک تر به حق دمکراتیک، تشدید دخالت نظامی بیش تر و حملات تروریستی فراتر آماده کرده است.

تنها راه توقف این مارپیچ ارتجاعی خشونت، برخورد با علت ریشه ای آن است: تحرک جنگی قدرت های امپریالیستی اصلی در تلاش برای سلطه بر خاورمیانه. این مستلزم توسعه جنبش وسیع طبقه کارگر در برابر جنگ و برای سوسیالیسم است.

۲۳ مارس ۲۰۱۶

بمب‌گذاری انتحاری بروکسل

پیش به سوی مقابله با تروریسم، جنگ و فقر

حزب سوسیالیست نبرد (بلژیک)

ده‌ها کشته و زخمی؛ کشوری در بُهت و ناباوری. این است نتیجهٔ حملات تروریستی وحشتناک روز ۲۲ مارس در فرودگاه «زوانتم» و ایستگاه متروی «مالبریک» بروکسل. ما به قربانیان حادثه، خانواده و دوستان‌شان تسلیت می‌گوییم.

باری دیگر قربانیان این حادثه مردم عادی هستند. کسانی که تصادفاً هدف خشونت دهشتناک و وحشیانه قرار گرفتند. مقامات، بروکسل را تعطیل کرده‌اند. هزاران نفر در پایتخت گیر افتاده و نگران بستگان و کودکانشان هستند.

همبستگی

این بار هم درست مانند ساعاتی پس از حمله به دفتر روزنامهٔ «شارلی ابدو» یا حملات نوامبر در پاریس، همبستگی خودانگیختهٔ مردمی به چشم می‌خورد. رانندگان تاکسی به طور رایگان خدمات می‌دهند. مردم در منازل خود را به سوی کسانی باز می‌کنند که به دلیل اختلال در حمل و نقل عمومی، آوارهٔ کوچه‌ها و خیابان‌ها شده‌اند. همبستگی مردم عادی عظیم است، مانند بعد از هر فاجعهٔ دیگری.

سازماندهان این حادثه احتمالاً اعضا یا هواداران «داعش» هستند که رژیم ارتجاعی رعب و خشونت خود را علیه مردم عراق و سوریه نیز دنبال می‌کند.

سیاست خارجهٔ بلژیک، خطر حملات را افزایش می‌دهد. تابستان امسال حکومت بلژیک مشارکت در مداخلات نظامی در سوریه را آغاز خواهد کرد، درست همان طور که پیش‌تر در عراق و افغانستان چنین کرد.

بمباران سوریه ناگزیر به معنای قربانیان بیش‌تر خواهد بود. چنین چیزی به بهبود امنیت این جا و آن جا نخواهد انجامید. بلکه کاملاً برعکس خواهد بود.

این جنگ‌ها، جنگ‌های رئیس و رؤسا هستند، جنگ‌هایی بنا به و برای منفعت جنگ سالاران، سیاستمداران و سودجویان محلی و بین‌المللی. با این حال قربانیان همیشه از طرف ما هستند: از طرف کارگران، فقرا و جوانان، هم در این جا و هم در خاورمیانه.

ما تمامی اتحادیه‌های کارگری، کارگران و جوانان را به شرکت در تظاهرات ملی علیه مشارکت بلژیک در جنگ سوریه و خرید هواپیماهای جنگی فرامی‌خوانیم.

طی روزهای آتی، فعالین و نمایندگان اتحادیه‌های کارگری باید به سازماندهی بحث‌های جمعی، به خصوص در محیط‌های کار، یاری رسانند. جنبش کارگری نیازمند یک واکنش جمعی برای مقاومت در برابر تروریسم، نژادپرستی و تلاش‌های حکومت در جهت محدودیت اعتصابات، تظاهرات و اعتراضات سیاسی است.

بحران

نظام سرمایه‌داری در یک بحران عمیق به سر می‌برد. این نظام چشم‌انداز آتی شمار رو به رشدی از مردم جامعه را از میان می‌برد. چنین چیزی زمینه را برای تروریسم و سایر خشونت‌های ارتجاعی فراهم می‌آورد. ما برای دنیایی می‌جنگیم که در آن ثروت عظیمی که اکنون در دست اقلیتی محدود است، برای رفع نیازهای اکثریت صرف شود: سوسیالیسم. در این صورت می‌توانیم یک بار و برای همیشه، فقر، محرومیت، جنگ، نفرت و تروریسم را به زباله‌دان تاریخ بسپاریم.

۲۳ مارس ۲۰۱۶

بمب گذاری در بروکسل به کجا خواهد انجامید؟

فرد وستن

امروز صبح باز هم شاهد کشتار مردم بیگناهی بودیم که سرگرم زندگی روزمره خود بودند. برای مارکسیست ها این گونه اقدامات تروریستی به همان صورت محکوم هستند که کشتار هزاران نفر از مردم سوریه و دیگر کشورهای جنگ زده. مسأله این است که: برای پایان دادن به این توحش چه باید کرد؟

با مشاهده اخبار بمب گذاری در فرودگاه و سپس متروی بروکسل موارد زیر به ذهنم رسید:

۱- پیش از هر چیز با خانواده های قربانیان حملات تروریستی بروکسل اعلام همبستگی می کنیم. این رویداد نشان می دهد که هیچ درجه ای امنیت (پلیس و ارتش) قادر به توقف حملات وحشیانه و بزدلانه ای نظیر حملات امروز صبح نیست. با وجود حضور سربازان نخبه ارتش در فرودگاه از ماه نوامبر گذشته تاکنون و با وجود افزایش تجسس پلیس در ورودی فرودگاه ها و مترو، اما همگی از تأمین امنیت عاجز هستند. بسته شدن امنیتی فرودگاه و مترو مانند امروز صبح، چنان چه تعمیم پیدا می کرد می توانست کل شهر و اقتصاد را فلج و علمکرد آن را مختل کند.

۲- مادام که خاورمیانه یک زخم عفونی باشد که هست، چنین مواردی ادامه خواهند یافت. حکومت های غربی «ما» مسئول هرج و مرج خاورمیانه هستند. آن ها بر این باورند که می توانند وارد هر کشوری بشوند، رژیم ها را ساقط کنند، با بمب تکه تکه کنند و بعد همه چیز به وضع طبیعی برگردد. اما تأثیر آن ها وارونه بوده است. وقتی این حکومت ها هیچ کاری برای حل آنزوا و بیگانگی جوانان مهاجر و نسل سوم و چهارم صورت نداده اند، وقتی هیچ قدمی برای ریشه کردن نژادپرستی، بیکاری و فقر و غیره برنداشته اند، و در عوض کشورهای خاورمیانه را بمباران کرده اند، خاک حاصلخیزی را برای بهره برداری بنیادگرایان فراهم آورده اند. این ادامه خواهد داشت.

۳- از حملات بمب گذاری اخیر برای توجیه قوانین سرکوبگرانه تر به اسم مبارزه با تروریسم استفاده خواهد شد. نیمی از ۱۸ مورد تمهیدات ضد تروریستی اعلام شده از سوی حکومت بلژیک پس از حملات نوامبر در پاریس، همه شهروندان را تهدید می کند، و نوک پیکان این حمله، سازمان های کارگری و گروه های مترقی

هستند. اتحادیه های مهم، گروه های وکلا و قضات این امر را پیش تر محکوم کردند. «سنگن» بیش از قبل زیر فشار خواهد رفت. به وضعیت نقداً شکننده اتحادیه اروپا، افزایش تنش ها میان دولت های عضو و حتی تنش های درون هر کشور اضافه خواهد شد.

۴- از این حملات برای پنهان سازی توحشی استفاده خواهد شد که علیه پناهجویان در یونان و سایر مرزها به کار گرفته می شود. برای ارباب پناهندگان، باید آن ها را مترادف با جرم، خشونت علیه زنان و بی قانونی عمومی جلوه داد. به محض این که ماشین تبلیغاتی به این هدف خود رسیده باشد، بکارگیری همه نوع اقدامات وحشیانه قابل توجیه می شود. خانواده هایی را که از جنگ می گریزند، جنگی که در وهله نخست «اروپا» ایجاد کرد، به حال خود رها می کنند تا در گِل و لای بگنندند، کُرور کُرور جان بدهند.

۵- احزاب راست گرا در همه جا تلاش خواهند کرد از این حملات به نفع خود استفاده کنند. در دوره های اوج گیری مبارزه طبقاتی، مانند مورد فرانسه و بلژیک، چنین اقدامی برای منحرف کردن توجه از دلایل واقعی بحران کنونی پیش روی ما مفید خواهد بود. همه جا تنش های طبقاتی وجود دارند. جوانان به طور اخص در حال روی برگرداندن از نظام سرمایه داری هستند. دیری نخواهد پایید که کل طبقه کارگر سرتاسر اروپا را درنوردد.

۶- از این حملات برای توجیه بمباران بیش تر سوریه و افزودن به بحران جدی پناهندگی نیز استفاده خواهد شد. پناهندگان هم چنان سر می رسند و متوقف نمی شوند، چرا که آن چه زمانی خانه و کاشانه شان بود اکنون به یک جهنم مبدل شده است. آن ها هیچ آلترناتیو دیگری ندارند جز صف کشیدن در مرزهای اتحادیه اروپا.

۷- این بربریت بر ذهن میلیون ها نفر از کارگران و جوانان و به خصوص نوجوانان می نشیند. آن ها دنیایی بدون آینده را می بینند، دنیای رشد بیکاری و حمله دائمی به تمام دستاوردهای گذشته، آموزش، بهداشت و درمان، مسکن، مشاغل مناسب، دستمزدها... همراه با جنگ ها در گوشه و کنار جهان.

۸- مادام که حداکثر کردن سود یک اقلیت معدود، تعیین کننده سیاست کل حکومت ها است، هیچ راهی برای حل این وضعیت وجود ندارد. این نظام قابل اصلاح یا ترمیم نیست. بلکه باید برود. به هیچ بدیلی غیر از این حتی فکر هم نمی توان کرد!

۹- مبارزات متعدد کارگران و جوانان سرتاسر جهان برای یک زندگی بهتر، شغل، مسکن، بهداشت و درمان و غیره، باید به یک مبارزه واحد حول یک چیز تبدیل شود: ریشه کن ساختن این نظام و بنیان گذاشتن یک جامعه جدید، یعنی سوسیالیسم. این یک تخیل نیست؛ این تنها آلترناتیو مشخص در برابر بربریت کنونی است.

۲۲ فوریه ۲۰۱۶